در روز جهانی «ایدز» نگاهی به سریال‌هایی که با این موضوع ساخته شده، داشتیم

آگاهی‌بخشی بدون روتوش

۶

گفت‌وگوی «جام جم» با داوود داداشی، سیاه‌بازی برای تمام فصول

حفظ میراث ملی، فرهنگ را نهادینه می‌کند

۸

ویژه

آخر هفته همراه با فیلم‌های تلویزیون

تاختن «میرزا کوچک‌خان» با «اسب جنگی»

۷

سبک زندگی

«جام جم» ضرورت توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های نوجوانان و جوانان را بررسی می‌کند

هنر شنیدن صدای نسل نو

۱۲

رسانه

در گفت‌وگوی «جام جم» با خسرو والی‌زاده عنوان شد

چالش‌های گزارشگری ورزش در رادیو

۶

سینما

گفت‌وگو با قادر آشنا، عضو شورای سیاست‌گذاری پنجمین دوره جایزه پژوهش سال سینما

«پژوهش» نقشه راه سینمای ایران است

۱۰

فرهنگ

گفت‌وگوی «جام جم» با محمدرضا اژدری نامزد جایزه بهترین موسیقی بی‌کلام جهان

«نیل» را یک‌تنه ساختم

۱۱

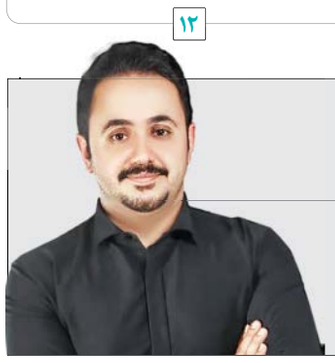

گزارش

«جام جم» ضرورت تصویب و اعمال قوانین دقیق در حوزه فضای مجازی را بررسی می‌کند

پلتفرم‌های ایرانی؛ قرارگاه جنگ شناختی دشمن

چرا بازیگران ضدایرانی در پلتفرم داخلی صفحه دارند؟

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

در جهان امروز، پلتفرم‌ها و محیط‌های اجتماعی در فضای مجازی به یکی از محورهای تنش‌زا در تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معاصر تبدیل شده است. پدیده رسانه‌ای متفاوتی که به اعتبار ماهیت، کارکرد و اثراتی که در سطح وسیع و در تمامی ابعاد و زوایای جوامع امروزی می‌گذارند، در قالب یک «ابرچالش» جدید برای ملت‌ها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ظهور کرده است اما در کشورهای مختلف وضع قوانین دقیق پیرامون فعالیت‌های فردی یا پلتفرم‌های رسمی در این فضاها باعث شده فعالیت‌های غیرقانونی در زمینه ایجاد یا حمایت از آشوب امکان بروز نیابند. مرکز مطالعات بین‌الملل و استراتژیک مستقر در آمریکا در آخرین گزارش خود اعلام کرد طی یک‌سال درمجموع بیش از ۵۰۰ قانون در سراسر جهان تصویب شده است که همگی بر ضرورت اعمال حق حاکمیت کشورها در تعامل پلتفرم‌ها در عرصه سایبری ناظر بوده‌اند. ازجمله مهم‌ترین مصادیق این رویکرد، ساختار قانون‌گذاری اتحادیه‌اروپا و قانون‌گذاران اروپایی است که به سمت اعمال قوانین سختگیرانه‌تری در جهت مسئولیت‌پذیری هرچه‌بیشتر پلتفرم‌ها در قبال محتوای آنها حرکت کرده‌اند. براساس محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی قانون‌گذاران اروپایی، پلتفرم‌ها به دلیل به اشتراک‌گذاری محتوای مضر، نامناسب، ناقض قانون کپی‌رایت و سایر موارد نقض قانون مسئول شناخته می‌شوند.

در جهان امروز، پلتفرم‌ها و محیط‌های اجتماعی در فضای مجازی به یکی از محورهای تنش‌زا در تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معاصر تبدیل شده است. پدیده رسانه‌ای متفاوتی که به اعتبار ماهیت، کارکرد و اثراتی که در سطح وسیع و در تمامی ابعاد و زوایای جوامع امروزی می‌گذارند، در قالب یک «ابرچالش» جدید برای ملت‌ها و نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ظهور کرده است اما در کشورهای مختلف وضع قوانین دقیق پیرامون فعالیت‌های فردی یا پلتفرم‌های رسمی در این فضاها باعث شده فعالیت‌های غیرقانونی در زمینه ایجاد یا حمایت از آشوب امکان بروز نیابند.

مرکز مطالعات بین‌الملل و استراتژیک مستقر در آمریکا در آخرین گزارش خود اعلام کرد طی یک‌سال درمجموع بیش از ۵۰۰ قانون در سراسر جهان تصویب شده است که همگی بر ضرورت اعمال حق حاکمیت کشورها در تعامل پلتفرم‌ها در عرصه سایبری ناظر بوده‌اند. ازجمله مهم‌ترین مصادیق این رویکرد، ساختار قانون‌گذاری اتحادیه‌اروپا و قانون‌گذاران اروپایی است که به سمت اعمال قوانین سختگیرانه‌تری در جهت مسئولیت‌پذیری هرچه‌بیشتر پلتفرم‌ها در قبال محتوای آنها حرکت کرده‌اند. براساس محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی قانون‌گذاران اروپایی، پلتفرم‌ها به دلیل به اشتراک‌گذاری محتوای مضر، نامناسب، ناقض قانون کپی‌رایت و سایر موارد نقض قانون مسئول شناخته می‌شوند. توجه به حق حاکمیت باعث شده تا کشورها در مواجهه با پلتفرم‌ها دو شیوه تعامل یا نظارت را اتخاذ نمایند.

بهره‌گیری از اهرم نظارت به‌ویژه در تقابل با پلتفرم‌های بین‌المللی مثل فیس‌بوک، آمازون، تلگرام، اینستاگرام و ... که فعالیت آنها با زندگی روزمره میلیاردها نفر در سراسر کره‌زمین گره خورده و سلطه آنها به شکل فزاینده‌ای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را متاثر کرده است، اصلی‌ترین راهکار دولت‌ها در مواجهه با آنهاست.

مثلا کره‌جنوبی که دارای بالاترین نفوذ فعال رسانه‌های اجتماعی در میان کشورهای آسیایی است، از طریق دو کمیته ارتباطات کره (KCC) و کمیته استانداردهای ارتباطات کره (KCSC) بر محتوای ضددولتی و ضد قوای نظامی نظارت می‌شود.

سازمان فضای مجازی چین (CAC) علیه انتشار هرگونه محتوای مخرب در گروه‌های طرفداری سلبریتی‌ها اقدام می‌کند و کانال‌های بحث و گفت‌وگویی که با انتشار اخبار سلبریتی‌ها در جامعه مشکلاتی به‌وجود می‌آورند را تعطیل می‌کند. برخی کشورها نیز شیوه تعامل را در ارتباط با پلتفرم‌های بین‌المللی اتخاذ می‌کنند. مثلا در سال ۲۰۱۹ میلادی و پیش از برگزاری انتخابات فدرال کانادا، دولت این کشور از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال خواست برای مقابله با اخبار جعلی کمک کنند. در این زمینه فیس‌بوک، مایکروسافت و گوگل توافق کردند از اقدامات دولت پشتیبانی کنند.

فیس‌بوک در تعامل با هند نیز قبل از انتخابات ایالتی در این کشور اعلام کرد با محتوای نفرت‌پراکنی، اخبار جعلی و سرکوب رأی‌دهندگان مقابله و با مقامات انتخاباتی در هند همکاری می‌کند تا کانال‌هایی برای حذف محتوای ناقض قانون هند و دریافت دستورات قانونی ایجاد کند.

در کشور ما نیز بسته به میزان همکاری تعامل این پلتفرم‌ها، فضای ارتباطی را در یک گستره از تعامل تا فیلترینگ، مشخص می‌کند.

پلتفرم‌های داخلی، از ادعا تا عمل

بدیهی است پلتفرم‌های بین‌المللی، آن‌گونه که باید حق حاکمیت کشورها را رعایت نمی‌کنند و عمدتا براساس منافع کشور خود با سایر کشورها ارتباط دارند اما انتظار می‌رود پلتفرم‌های ملی رویه‌ای مثبت در تعامل با حکومت‌ها در پیش بگیرند و تلاش کنند با رعایت قوانین حق حاکمیت را محترم بشمارند و مانع نقض مهم‌ترین ویژگی جامعه، یعنی اتحاد ملی و همبستگی کشور شوند اما در سرزمین ما مدعیات با عملکرد فاصله زیادی دارد.

به‌طورمثال آپارات در صفحه قوانین خود، با محتواسازی کاربران به شرطی موافقت می‌کند که این محتواها در تعارض با منافع ملی نباشند.

همچنین براساس قوانین آپارات، تاکید دارد در شرایط بحرانی، انتشار ویدئوهایی حاوی شایعه که ممکن است به آرامش روانی جامعه تا حد زیادی آسیب بزند ممنوع است.

فیلیمو نیز اعمال غیرقانونی و مغایر با قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران به هر نحو ممکن را ممنوع اعلام کرده است. براساس اعلام فیلیمو، در قسمت مربوط به نظرات کاربران، انتشار مطالب خلاف یا نقض‌کننده قوانین جمهوری اسلامی ایران مضر، تهدیدکننده، توهین‌آمیز، غیراخلاقی، افترآمیز و مبتذل و همچنین مطالبی که به نژاد، گروه یا دسته خاصی از مردم توهین کند ممنوع است.

در قسمت مربوط به نظرات کاربران، قرار دادن لینک‌هایی به سایت‌های غیرقانونی، غیراخلاقی یا مبتذل و همین‌طور سایت‌هایی که به هر نحو مناسبات فرهنگی، اخلاقی، عرفی یا قانونی جامعه را زیر پا می‌گذارند یا با قوانین جمهوری اسلامی ایران مغایرند، ممنوع است.

نماوا، دیگر پلتفرم ایرانی در حوزه پخش فیلم نیز خود را متعهد به قوانین کشور می‌داند و اعلام کرده است محتوای موجود روی نماوا برای مطابقت با قوانین رسانه‌های کشور جمهوری اسلامی ایران بازبینی شده‌اند ولی اگر در هر صورت مضامینی به نظر کاربر مناسب نمی‌آیند، کاربر می‌بایست نظر خود را به نماوا اعلام نماید. بدیهی است تصمیم‌گیری درخصوص ایجاد تغییر در مضامین به موجب قوانین در حیطه اختیارات نماوا است.

این اقدام گرچه قابل تحسین و ارزشمند است اما پلتفرم‌ها در عمل ـ خواسته یا ناخواسته ـ اقداماتی را انجام می‌دهند که مغایر با قوانین کشور و حق حاکمیت آن است. نمونه بارز آن را می‌شود در بحران اخیر به‌ویژه پس از درگذشت مهسا امینی دید. در این حادثه، پلتفرم‌ها و استارت‌آپ‌ها که در راستای سیاست حاکمیتی بومی‌سازی فضای مجازی از مزیت حمایت‌های خاص برخوردارند، بدون توجه به وظیفه ذاتی خود، نقش بسزایی در شروع ناآرامی‌ها ایفا کردند.

چرا بازیگران ضدایرانی در پلتفرم داخلی صفحه دارند؟

در بررسی پلتفرم‌های نماوا، آپارات، فیلیمو، تماشا و ... مشخص است برخی سلبریتی‌های مخالف حاکمیت ملی در آنها صفحه خاص دارند یا در مورد آنها محتواسازی صورت گرفته است. اقدامی که نه‌تنها مغایر با قوانین حاکمیتی، بلکه مغایر با دستورالعمل‌های اعلامی این پلتفرم‌هاست.

نازنین بنیادی، نمونه بارز بازیگران مخالفی است که نام و نشان او در این پلتفرم‌ها همچنان دیده می‌شود. او که سابقه بازی در سریال ضدایرانی هوملند (میهن) را در کارنامه دارد، با مقامات ارشد امنیتی آمریکا در ارتباط با ایران دیدار کرده و در اقدامی وطن‌فروشانه با حضور در نشست غیررسمی شورای امنیت با قرائت متنی ضدایرانی، خواهان اخراج سفرای ایران از کشورهای غربی شد.

با این سوابق که در محافل رسانه‌ای غرب مطرح شده، نازنین بنیادی به‌عنوان بازیگری ایرانی‌تبار در پلتفرم‌های ایرانی صاحب یک صفحه اختصاصی است و آثار او در این سامانه به مردم ایران عرضه می‌شود!

شهره آغداشلو، نمونه دیگری از مخالفانی است که در این پلتفرم‌ها جا خوش کرده‌اند. او که به واسطه حضور در فیلم ضدایرانی «سنگسار ثریا میم»، «گلاب»، «ایرانیوم» و «سپتامبرهای شیراز» در کانون توجه‌ها قرار گرفت، در برهه‌های مختلف به‌عنوان یک مخالف رخ نموده است.

مرجان ساتراپی یکی دیگر از افرادی است که ایجاد صفحه‌ای خاص برای او در پلتفرم‌ها باعث تعجب است. او نویسنده کتاب ضدایرانی «پرسپولیس» است که با هدف سیاه‌نمایی پیرامون انقلاب اسلامی، نوشته شده است. فیلم این کتاب با کمک فرانسوی‌ها تولید شده و مفتخر به دریافت جایزه کن شد! مرجان ساتراپی در جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ به پارلمان اروپا رفت و با شرکت در چند کنفرانس مطبوعاتی، جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داد. بعد از آن یک فیلم ضدایرانی دیگر «خورش آلومرغ» کارگردانی و در سینماهای آمریکا به نمایش گذاشت. نمایشی که با بازی گلشیفته فراهانی همراه بود. هنرمندی که پس از خروج از ایران با حضور در فیلم‌های ضدایرانی مختلفی همچون گلاب و خورش آلومرغ در حمله سینمای غرب به فرهنگ ایرانی نقش داشت و جالب آن‌که او هم در پلتفرم‌های ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد.

مهناز افشار، دیگر بازیگری است که به نظر اختصاص صفحه‌ای به نام او در پلتفرم‌های ایرانی جای تعجب دارد. او که مدت‌هاست از ایران خارج شده و ترجیح داده یک کنشگر سیاسی علیه جامعه ایرانی باشد، چندی پیش در توییتی خبر داد که از این پس در استوری اینستاگرامش، مطالب آموزشکده توانا منتشر خواهد شد؛ اقدامی که او را به کانون عملیات‌های رسانه‌ای ضدایرانی، یعنی دولت آمریکا نزدیک می‌کند. مؤسسان این آموزشکده ضدایرانی ابایی ندارند که بگویند آن را با کمک‌های مالی وزارت خارجه آمریکا تأسیس کرده‌اند و با بودجه مستمری که وزارت‌های خارجه دو دولت آمریکا و هلند در اختیارشان قرار می‌دهند، آن را اداره می‌کنند. گرایش‌های صهیونیستی مؤسسه توانا از نکات جالب‌توجه است؛ گرایشی که در خروجی مطالب و آموزش‌های آن آشکارا مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه تبلیغات برای موضوع هولوکاست و گرامیداشت این موضوع، تبلیغ رژیم صهیونیستی و ساختارهای حاکم بر آن به‌عنوان یک جامعه مدرن و الگو، سعی در ایجاد مطالبه در مخاطبان و کاربران برای مخالفت علیه کمک‌های مادی و معنوی ایران به مخالفان رژیم صهیونیستی و ملت مظلوم فلسطین از جمله این موارد است.

فرش قرمز برای سلبریتی‌های خارجی

در کنار این نام‌ها که بی‌شک تعدادشان بیش از آن چیزی است که به‌عنوان نمونه مطرح شد، نام بازیگران و کارگردانان ضدایرانی خارجی نیز قابل تامل است. نمونه بارز آن صفحه اختصاصی برای بن افلک، کارگردان و بازیگر فیلم ضدایرانی آرگو، برنده جایزه سیاسی‌ترین اسکارهای تاریخ هالیوود، آلفرد مولینا، سالی فیلد و ... است.

اختصاص این صفحات و معرفی آنها به مخاطب شاید در نگاه اول موضوع خاص و قابل‌پیگیری نباشد اما وقتی به تاثیر آن در بلندمدت یک محتوای رسانه‌ای بر مخاطب متمرکز شویم، بی‌گمان نمی‌توانیم به‌راحتی آن را «بی‌اهمیت» بشماریم و از کنار آن بگذریم. در هیچ کشوری نیز به‌راحتی از این مقوله‌ها نمی‌گذرند؛ چراکه سلبریتی‌ها اعم از هنرمندان، ورزشکاران و ... به واسطه حمایت‌های ساختار رسمی رشد و نمو یافته و در گام اول از طریق رسانه‌های داخلی مطرح و معروف شده‌اند. هدف از رشد سلبریتی‌ها عموما بهره‌گیری از توان کاریزماتیک آنها، همسو کردن مردم با جامعه، انتقال مشکلات به دولت، نهادینه کردن قوانین، رفع ابهامات، ایجاد وفاق و اتحاد ملی و ... است. به عبارتی حکومت‌ها، سلبریتی‌ها را رشد می‌دهند تا به‌عنوان پل ارتباطی با مردم، از اجرای قوانین حمایت کنند. حال اگر یک سلبریتی برخلاف مسئولیت اجتماعی‌اش عمل کرد و در مسیر مخالفت با منافع ملی اقدام نمود حداقل وظیفه رسانه‌های رسمی این است که او را از فرصت‌های تبلیغی محروم کند؛ اقدامی که در همه کشورهای صاحب‌رسانه انجام می‌شود. این اقدام رسانه‌ها، نه‌تنها در وفاق و یکدلی در جامعه تاثیرگذار است، بلکه جهت نگاه سلبریتی‌ها را نیز به سمت بهره‌گیری از توان خود در مسیر حمایت از حاکمیت کشور و برنامه‌ها و اقدامات آن سوق می‌دهد.

عمل به میثاق

انتظار جامعه از پلتفرم‌ها این است همان‌گونه که در میثاق‌نامه خود عنوان کرده‌اند به سلبریتی‌ای که در مسیر ارزش‌های جامعه و کشور کار می‌کند، بهای بیشتری داده و به سلبریتی‌ای که در این زمینه همکاری کمتری دارد، کمتر بها داده شود. سلبریتی باید بداند اگر هم روزی از همکاری به عدم همکاری رسید، کلا از نظام رسانه‌ای حذف می‌شود اما امروز پلتفرم‌های ایرانی به قرارگاه جنگ شناختی دشمن بدل شده‌اند و در فضای کمبود قوانین و عدم اعمال قوانین توسط نهادهای مسئول بدون پروا در تضعیف فرهنگ ایرانی قدم برمی‌دارند.

عکس و مکث